

متن پرسش

با عرض سلام و ادب: استاد من از بچگی بعنوان فردی تیزهوش و درس خوان شناخته می شدم. از دوره نوجوانی اهداف بلندی را در زمینه پیشرفت علمی در سرم می پروراندم به این صورت که همیشه آرزو داشته ام که برای جامعه اسلامی مان یک جهادگر علمی مثل سردار شهید تهرانی مقدم باشم و در راه خدا به بهترین نحو درس بخوانم. الان هم در دوره دکتری مهندسی ... مشغول تحصیل هستم اما وقتی به خودم نگاه می کنم می بینم که بسیاری از درسها را طوطی وار خوانده ام و پیش آمده ام و بسیاری از آنها از یادم رفته است و احساس می کنم که دیگر مثل قبلا گیرایی و کشش درس خواندن را هم ندارم! از این رو وقتی سراغ درس می روم ناامیدانه به شدت احساس ناتوانی می کنم به طوری که کتاب را رها می کنم و خودم را سرگرم کار دیگری می کنم!! بارها قصد تغییر رشته را داشته ام چون با خودم می گفتم شاید عدم علاقه به رشته ام باعث این بی انگیزگی شده است و شاید اگر رشته دیگری را از ابتدا شروع کنم بهتر باشد اما الان شاید برای این کار دیر شده باشد. استاد من از این متنفرم که چند صباح دیگر مرا یک دکتر خطاب کنند در حالی که اینقدر بیسواد و نالایق هستم. اینکه نمی توانم سراغ کتاب و مطالعه بروم را چه کنم؟ این در حالی است که خودم، خانواده ام و حتی جامعه در این سالهای متمادی تحصیل سرمایه گذاری زیادی کرده ایم. از طرفی نمی توانم رهايش کنم و از طرفی نمی توانم قدم از قدم بردارم و پیش بروم! چه کنم؟ پیشاپیش از راهنماییتان سپاسگزارم و دعاگویتان هستم اگر بتوانید راهی جلوی پای من بگذارید که بتوانم درس بخوانم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: متوجه باشید که اطلاعاتِ طوطی‌وار هم از این علوم، زمینه‌ای می‌شود تا به وقتش به مناسبت نیازی که پیش می‌آید به آن اطلاعات رجوع کنید و لذا باید از همین دروس کلیاتی در ذهن خود داشته باشید تا وقتی بنا به تقدیری که دارید، با موضوعی روبه‌رو شدید که نیاز کشور است، بتوانید به آن متون رجوع فرمایید و آن متون برای شما قابل درک باشد. بقیه را به خدا بسپارید که چه پیش می‌آید. موفق باشید